تجارب دانشجویان پرستاری در مورد بازاندیشی: یک مطالعه کیفی

مرضیه معطری*، حیدرعلی عابدی

چکیده

مقدمه: بازاندیشی به عنوان یک راهبرد آموزشی مؤثر مورد تأکید پژوهشگران قرار گرفته است اما تحقیقات کیفی اندکی در مورد نتایج حاصل از بکارگیری آن وجود دارد. این پژوهش برای پاسخ‌گویی به این سؤال که مکانیزم‌های تأثیر بازاندیشی بر تجارب بالینی چیست؟ انجام شد.

روش‌ها: این پژوهش کیفی به روش گراندد تئوری انجام شده، گروه هدف ۲۰ نفر از دانشجویان سال چهارم پرستاری با تجربه ۱۰ هفته برنامه بازاندیشی بودند. به دانشجویان یک راهنما در مورد نحوه انجام بازاندیشی داده و از آنان خواسته شد تا تفکرات خود را پیرامون تجارب به دست آمده از محیط بالینی در ژورنال‌های شخصی خود، که به صورت هفتگی به پژوهشگر تحویل داده می‌شد، بنویسند. سپس به آنها بر اساس مقیاس سطوح بازاندیشی و راهبردهای تفکر در پرستاری، بازخورد مناسب داده می‌شد. در پایان مدت مذکور، دانشجویان در دو گروه ۱۰ نفره در مصاحبه گروه متمرکز شرکت نمودند. مطالب نسخه‌برداری شده به روش کیفی تحلیل شد و کدگذاری آن طی سه مرحله انجام و داده‌ها طبقه‌بندی و نام‌گذاری گردید. نام‌های طبقه‌بندی، درون‌مایه‌های به دست آمده از این پژوهش است.

نتایج: یافته‌ها نشان داد که فرایند تأثیر بازاندیشی بر تجارب بالینی در ۵ حیطه مراقبت، تفکر، تلفیق نظریه و عمل، مکانیزم‌های خودتنظیمی و انگیزش پدیدار می‌شود.

نتیجه‌گیری: تجارب دانشجویان از برنامه بازاندیشی نشان می‌هد که بازاندیشی موجب رویکرد کلی‌نگر به بیمار، تأثیرگذاری بر تفکر، پیوند نظریه و عمل و تقویت مکانیزم‌های خودتنظیمی و انگیزش می‌شود. متغیر انگیزش به عنوان متغیر مرکزی بر تمامی چهار درون‌مایه دیگر تأثیر گذاشته و از آنها تأثیر می‌پذیرد. عنصر انگیزش به عنوان متغیر مرکزی می‌تواند به عناصر این چرخه اضافه شود. تلفیق بازاندیشی در برنامه‌های پرستاری قابل توصیه است.

واژه‌های کلیدی: دانشگاه بازاندیشی، تفکر، پرستاری، یادگیری، آموزش بالینی.

مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی / بهار و تابستان ۱۳۸۷؛ ۸(۱): ۱۰۱ تا ۱۱۲

مقدمه

توسعه تفکر انتقادی و توانایی حل مسأله از طریق ارزیابی شواهد مبتنی بر نتیجه‌گیری‌های معتبر، تجدید و تعمیم اطلاعات، یکی از اهداف جهانی مورد حمایت دانشکده‌های پزشکی است(۱). اهمیت تفکر و راه‌های تقویت آن در متون پرستاری نیز، تحت عناوین مختلف حل مسأله، تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری، استدلال تشخیصی، استدلال بالینی، خلاقیت و قضاوت بالینی مورد توجه قرار داشته است(۲تا۱۰). در مطالعه‌ای ضمن اشاره به این مهم که ویژگی‌های متمایزکننده یک پرستار حرفه‌ای بیشتر از اینکه سایکوموتور باشد شناختی است، بر اهمیت تفکر منتقدانه، به عنوان یک عنصر اساسی در پرستاری، تاکید نموده‌اند(۱۰).

ماهیت تفکر انتقادی را در قالب تفکر بازاندیشی و به صورت پایداری فعال و لحاظ کردن دقیق هر باور یا فرم دانش با توجه به زمینه‌های آن و نتیجه‌گیری بعدی حاصل از آن تعریف کرده‌اند(۱۱). همچنین آموزش دو

* **آدرس مکاتبه:** دکتر مرضیه معطری (استادیار) گروه آموزش پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، فلکه نمازی، شیراز.
moattarm@sums.ac.ir
دکتر حیدرعلی عابدی، دانشیار گروه پرستاری مرکز تحقیقات آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (abedi@nm.mui.ac.ir).
این مقاله در تاریخ ۸۵/۱۰/۹ به دفتر مجله رسیده، در تاریخ ۸۶/۱۰/۱۸ اصلاح شده و در تاریخ ۸۷/۳/۱۰ پذیرش گردیده است.